

رهائی زن

نشریه انجمن رهایی زن

سال اول - شماره ۵

شهریور ماه - ۱۳۵۸

حملات فاشیسم همه گیر تر میشود.

هستند متمایز است و کشمکش درونی این جناح ها به خاطر رسیدن به چنان انسجامی که بتواند، دیکتاتوری را به نحو احسن اعمال کنند. چندین ماه طول خواهد کشید، و تا آن زمان یعنی یک پارچه شدن جناح های مختلف سرمایه داری، محیطی خواهد بود که تیروهای مخالف دیکتاتوری و فدامپریالیسم بتوانند از این تضادها استفاده کنند، اما باند حاکم برعکس این تصور طاقت آن جناح دیگر سرمایه داری را هم نتوانست بیاورد (مجلس خبرگان و تضاد با حزب جمهوری خلق مسلمان و حزب حاکم جمهوری اسلامی) و حساب خود را با آن جناح هم یکسره کرد. و حاکم مطلق العنان گردید. این خط کشی نسبی بین این جناح ها و عوامل دیگر مانند مسئله افتضاح انتخابات مجلس انتصابی خبرگان. لشکرکشی و حمله به کردستان، شلوغ شدن احتمالی آذربایجان این لحظه را برای شروع طرح قدم بقدم حمله فاشیستی، درپیشگیری از بدتر شدن اوضاع، مهیا ساخت. پس از ضعیف ترین نقطه ها حمله شروع شد.

روزنامه آیندگان که بدحوری موی دماغ شده بود بایک حمله گاز انبری تعطیل گردید، تعطیل چاپخانه یادگاران نشر چند روزنامه مزاحم دیگر مانند، ندای آزادی، کیهان

با حمله تفنگداران کمیته به دفتر روزنامه آیندگان و توقیف اعدایی از نویسندگان آنها و چاپخانه یادگاران و لاک و مهر کسره ماشین های چاپ، هجوم فاشیسم در ایران قدم به مرحله جدیدی از حرکت خود که آمیزشی از شیوه های گرفته شده از گوبلس و طرح های نویسن فاشیستی نه شرقی و نه غربی است، گام نهاد. این حرکت های فاشیستی و به بند کشیدن تاسیسات دموکراتیک جامعه ایران برای برخی از سازمان ها و گروه ها از جمله انجمن ما از همان بدو پیدایش این حکومت با توجه به ماهیت سرمایه داری وابسته آن روشن بود، و می دانستیم که سرمایه داری در ایران بدون یک دیکتاتوری، علیرغم تمامی لفاظی ها و وعده های عوامفریبانه و برنامه های برج و توخالی مدت زمان مدیدی نمیتواند به حیات خود ادامه دهد. هرچند که افراد این حکومت ماحب "حسن نیت" باشند، چون بردگان سرمایه هستند و این سرمایه داری وابسته است که در نهایت بر آنان حکومت میکند، به سوی یک نظام استبدادی و دیکتاتوری کشیده خواهند شد، و یحتمل به شکل بسیار عقب مانده آن. اما باز تصور میکردیم که این دیکتاتوری با دیکتاتوری شاه در این دیکتاتوری همه جناح های سرمایه داری حق تصفیم گیری دارند و سهمیم

باید ابتکار عمل را در دست گرفت و در تحقق شعار تشکیل مجلس مؤسسان کوشش کرد.

بعد از ظهر ۱۲ مرداد ماشین سیاری با بلند گو هایش کوچه پس کوچه های دور افتاده نیارون را بهم میریخت و تکرار میکرد "برای برادران و خواهران عزیزی که بعطیت کیمالت نتوانستند به باجه رای بیایند باجه سیار به مطه شما آمده است و میتوانند.....".

و روز بعد برخی از روزنامه ها (آیندگان) گزارش دادند که بر عکس آنچه در هنگام رفراندوم مشاهده میشد رای گیری نما - یندگان مجلس خبرگان با عدم استقبال مردم روبروگشت. باجه های رای خالی بود و از ازدحام مردم و صف های طولانی خبری نبود....

آنچه اتفاق افتاد تحریم انتخابات بود از طرف مردم و نفی مجلس خبرگانی که با هزار حيله و نیرنگ به آنان زور چپان میشد. و یک بار دیگر توده ها چند گام جلوتر از برخی سازمانهای مترقی ابتکار عمل را در دست گرفته و انتخاباتی را که تا این حد دستگاههای تبلیغاتی رژیم تبلیغ کرده بود، عملاً تحریم کردند.

این بار نیز آنچه برای رژیم در درجه اول اهمیت را داشت این بود که مردم به باجه بروند و رای بدهند تا شاید بدینوسیله این توهم ایجاد گردد که مردم در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کرده اند و بنابراین خود مجلس خبرگان را تایید کرده اند، و هم از این رو دستگاههای تبلیغاتی خود را براه انداختند و کوشیدند نیروهای مترقی را نیز به شرکت در انتخابات کشانند و از این طریق تایید آنان را در مورد مجلس "خبرگان" یعنی همان سرگزیدگان خود بدست آورند. با وجود تمام

کوشش های این حضرات و هزار نیرنگ فریب دهنی و انتخابانی و حتی استفاده از شیوه "فرمان" امام "تحریم مردم و تعداد آراء" بحدی ناگوار آمد که لزوم تقلب و دست بردن در نتیجه صندوق های رای لازم گشت. و وقتی دیدند مسئله دارد از طریق نشریات و روزنامه ها در سطح عموم طرح میشود فرمتی مناسب را از این برای حمله به مطبوعات یافتند که البته از قبل تدارک آن از طریق لایحه مطبوعات کذایی دیده شده بود. ولی هیچک از این توطئه ها نتوانست این واقعیت را کتمان کند که بسیاری از مردم در انتخابات شرکت نکردند و مجلس خبرگان تحمیلی "آیات عظام" را نفی کردند. مهم اینست که خلق کرد و سایر خلقهای تحت ستم با عدم شرکت خود نشان دادند که این مجلس منتخب آنان نیست و نمیتواند باشد. و باز آن چه مهم است اینست که به آن بخش از سازمانها و نیروهای "مترقی" که در انتخابات شرکت کردند ثابت گشت که انتخابات مخدوش و غیردمکراتیک است و نمایندگان واقعی مردم بخصوص اقشار و طبقات تحت ستم به هیچوجه نتوانستند به این مجلس راه یابند.

ضرورتی که امروز در مقابل ما و تمام نیروهای مترقی قرار دارد لزوم نفی انتخابات و مجلس خبرگان و زمینه سازی برگزاری مجمعی واقعی از منتخبان واقعی مردم برای حفظ دست آوردهای انقلاب شکوهمند خلقمان میباشد. این امر فقط از طریق برگزاری همان مجلس مؤسسان میسر میگردد که رهبران سرخلف شولی که داده بودند مجلس خبرگان را جایگزین آن کردند.

آزاد، آزادی را هم کم میکرد. این شروع حمله حساب شده فاشیسم بود.

پس از این حمله جبهه دموکراتیک با تحلیل درست خود، که این حمله میتواند یک طـروح آزمایشی برای حملات وسیعتر و سنجش حساسیت مردم در این مورد باشد (مانند حمله آزمایشی هتلر در سال ۱۹۳۶ به ایالت غیرنظامی راین) با اعلام یک تظاهرات وسیع در روز یکشنبه به اعتراض و مقابله با این قدم های اول فاشیسم پرداخت. این راه پیمایی همانطور که در چند ماه گذشته نشان داده شد، مورد هجوم گروههای سیرا هن قهوه ای ایرانی که بجای "روم" آمدند باز، زهرا خانم با (سوابقی مشابه) فرماندهی آنها به عهده دارد، روبرو گردید که در اثر درگیری های آن بیش از سیصد نفر مجروح شدند. این زد و خوردها که نیمی از شهر را فرا گرفته از طرف دولت و رئیس آن که همان ساعات عبا بردوش بر سر سفره افطار به عبادت مشغول بود، موجب هیچ عکس العملی نشد. هر چند که میتوانستند مخالف هم باشند، چرا که اس.اس مافوق دولت است.

این جواب دندان شکن جبهه دموکراتیک موجب خشم رهبران که انتظار آنها نداشتند، گر دید، و از همان ساعت به دسته جات فاشیست در خیابان ها گسترده گردیدند. هفت سازمان سیاسی از جمله ستاد فداییان خلق که حتی در راه پیمایی شرکت نکردند تا مبدا فاشیسم تحریک شود! مورد حمله چماقداران قرار گرفت چرا که فاشیسم "تحریک" لازم ندارد، هر قدر بیشتر سر خود را خم کنید، بیشتر توشه شما میزند. این درس تاریخ است.

این موج هر روز گسترده تر میگردد. فاشیسم حملات خود را شروع کرده است و گفتیم که مانند همیشه از ضعیف ترین حلقه زنجیر هم شروع کرده، از آیندگان شروع کرده، تابانند به اصطلاح خودش اسناد مربوط بر و اسکی دارش همایون را در روزنامه های دولتی چاپ کنند

(گویا کسی مدعی شده که همایون مزدور و وابسته نبوده) و از بخت بد در مورد همین مزدور که روزگاری در پشت میزی در آیندگان می نشست اسناد خوبی بدست نیاورده اند بعضی اسناد مربوط به سال ۴۶ است و از این گذشته اگر قرار باشد آیندگان توقیف بشود چون در گذشته داریوش همایون مسئول آن بوده، میبایست مهدی بازرگان هم دستگیر شود، چون در اطاقی و پشت میز می نشستند که زمانی هویدا، آموزگار و از هاری می نشستند.

اعلام جرم مضحک دادستان انقلاب اسلامی که شلابرگ آلمی به شهرستان ها نمی فرستادند، به خوبی نشان میدهد که مسئله آیندگان نیست، مسئله یورش فاشیسم است، و اگر نیروهای سی هستند که منتظر هجوم یک شبه و کلاسیک فاشیسم به همه نیروهای دموکراتیک، نهفته اند (مانند آتش زدن رایشتاگ در برلن) این شب هم اکنون فرارسیده است.

نیروهای سازمان داده شده سرکوبگر در خیابان های تهران خوزستان، کردستان، گنبد آذربایجان، کار خود را آغاز کرده اند و تحت حمایت رهبری مملکت و دولت و کمیته ها شبکه مساجد، به یاری ارتجاعیون حزب امل با استفاد از تکنیک بازمانده ساواک، خود را برای نابودی تمامی نهادهای آزادیخواهانه و دموکراتیک آماده میسازند. در ایران غلبه فاشیسم و مقدار تسلط آن بر جامعه به چگونگی موقعیت و مقابله نیروهای دموکرات و ضد امپریالیسم و توان آنان در بسیج توده ها بستگی دارد و بتوانند قبل از آنکه یک یک به سرنوشت آیندگان و چاپ یادگاران دچار شوند، قبل از آن که، سلول ها ی اوین از یکایک آزادیخواهان پر شود به مقابله و مبارزه با آن برخیزند گر چه هنوز چنگال شوم فاشیسم همه گیر نشده ولی طولی نخواهد کشید که حتی خشن تر از گذشته هیچ نیروی آزادیخواه و هیچ انسانی از حملات فاشیسم کور، مصون نماند.



"نمیدانی چه تصادفی است این 'اشغال' را تاراج
کسی دربارہ شو نوشته ، زندگی توست ، فردا تو
شرح حال توست و اگر نمیتوانستی بخوانی
بفهمی با کرمه میگفتی که بیوگرافی تو را ۱۲۰
سال قبل نوشته اند! چگونه میتوان با خواندن
شرح حال خود اشغال شد وقتی که آنرا با چشم
نیز میتوان دید؟" نمیفهمد چه میگویم بسا
نگاهی نفرت بار و گنج میگوید "کمونیست"
میگویم تو یک کمونیست را چگونه شخصی میدانی
میگوید از "کیافتهائی" آری برای کسی که نه
میتواند بخواند و نه بفهمد که کمونیسم چیست
و کمونیست کیست تفاوت شما از راه خواندن
چهره ها باید انجام گیرد!

جمعیت چنان بدست باورد خود صیت مسا
را خاتمه میدهد. اله اکبر، اله اکبر درود بر
... بخوانید *vivolempereurs* جاوید
شاه (بلی این ها کلماتی جادویی اند. این

ورده را بقوان و اجازه ورودت به همه جا و همه
انجام همه کار و برایت عافیت میشود. اله اکبر و
در خانه ها را بسکن ، اله اکبر و چاقا ات را
بر سر مردم فروه آورده ، اله اکبر و جادو رایه
پهلوی شان حاید ، اله اکبر و همه را در عل
فروغن ، اله اکبر و سینه های زن "کمونیست"
را چنگ بزن و چرا که او کمونیست
و کافر است و تو مسلمانی حاید و زاهد. بگو
اله اکبر ، بگو این کلمات جادویی را ، بگو
این اسم تبرا ، بگو و کتابهایی را که نه
میتوانی بفهمی و با نه حتی بخوانی بسوزان
و مثلت رسان که شوه تمام اربابان ، شوه تمام
مردوران و چاقو کشان ، شوه تمام دیگناشور
ها بسوزاندن کتاب است .

هفتلر سوزاند ، موهارنو سوزاند ، بشوچه
سوزاند ، و شاه هم سوزان و بسوزان تو
که آگاهی مردم ، مرگ تو است .

برگزاری کنگره همبستگی خلقها در مهاباد

"کنگره همبستگی خلقها در مهاباد" دو تاریخ
سوم شهریورماه توسط شورای هماهنگی خلقها
برگزار میشود. اهداف این کنگره که به مسبت
چهار روز بطول خواهد انجامید ، نزدیک کردن
خلقهای ایران و آراشه خواستههای مشترک ایشان
در جهت ایجاد یک طرح واحد برای خردمختاری
است .

برگزاری این کنگره در کنفرانس همبستگی
خلقها که ماه گذشته با شرکت نمایندگان خلق
ها در محل مهاباد برگزار شد در تهران برگزار
شد تصمیم گیری شد .

شورای هماهنگی خلقها مسئولیت تدارک و
برگزاری این کنگره را به عهده گرفته است و
از بسیاری سازمانها و نیروهای مترقی
سیاسی برای شرکت در کنگره دعوت به عمل
آورده است و از هم اکنون میتوان کنگره عظیم
و موفقیت آمیزی را پیش بینی نمود .

در شرایط خاص امروز که توطئه ها یکی
پس از دیگری در جهت سرکوب نیروهای مترقی و
حقوق واقعی رزمندگان و خلقهای ایران پی
ریزی میشود ، اهمیت چنین کنگره ای آموزشی
میباشد . امروز سرخوش انقلاب شکوهند مردم و
شوه هزاران قربانی و شهید راه آزادی میرو
که در پشت درهای بسته مجلسی که "خبرگان"
تمام خلق آنها دو انحصار گرفته اند مورد بحث
و تصمیم گیری قرار گیرد . برگزاری هر چه
موفقیت آمیزتر این کنگره نشان میدهد که بر
خلاف تبلیغات این حشرات ، رزمندگان و خلقهای
ایران قادرند در تصمیم سرخوش خود نقش
داشته باشند . با بحال کردن این حق اساسی به
هر نوع و تحت هر پوششی حتی اسلام حرکتی است
ارتجاعی و یاج آنها تاریخ و مبارزات دامت
کنان خلقهای ایران خواهد داد .

بیانیه مشترک انجمن‌های زن و سه سازمان زنان دیگر در باره قانون اساسی

برعکس به نظر ما در مورد نقش زن در خانواده باید برای از بین بردن این تقسیم کار مساوی برابر برای این اصل این مضمون آورده شود:

از آنجا که نیمی از نیروی تولیدی جامعه را زنان تشکیل می‌دهند تربیت فرزندان بخصوص در دوران کودکی مسئولیت و وظیفه مشترک پدر و مادر میباشد علاوه باید امکانات اجتماعی لازم از قبیل مهد کودک بطور رایگان در سراسر کشور در اختیار خانواده ها قرار گیرد تا پدر و مادر بتوانند به کار تولیدی خارج از محیط خانه بپردازند.

در مورد اصل ۲۲ که با ذکر "تساوی زن و مرد در مقابل قانون" میخواهد بر روی عدم وجود حقوق مساوی برای زن و مرد سرپوش گذارد باید گفت که تساوی در برابر قانون به هیچ وجه به مفهوم تساوی حقوق نیست و باید در قانون اساسی تصریح شود که همه افراد ملت صرف نظر از ملیت و جنسیت دارای حقوق مساوی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میباشد.

لازم به یاد آوریست که در این بیانیه فقط به اصولی برخورد شده است که در رابطه با حقوق مشخص زنان میباشد و ما مستقیدیم که در پیش نویس قانون اساسی اشکالات و انتقادات فراوانی وجود دارد. بخصوص آنکه حقوق اقشار و طبقات زحمتکش و خلقهای تحت ستم نادیده گرفته شده است. از آنجا که مجلس "خبرگان" با شرایط خاص برگزاری آن، به هیچوجه نمیتواند منعکس کننده خواستههای بحق و اصولی مردم باشد، ما انتقادات و طرح خواستههای بحق زنان را نه از مجلس "خبرگان" انتظار طلبان بلکه از نیروهای مترقی و مبارز میخواهیم و مستقیدیم که فقط با مبارزه‌ای پیگیر میتوان در جهت احقاق این خواستها قدم برداشت.

ماه گذشته بیانیه مشترکی از طرف انجمن‌های رهایی زن و سه سازمان زنان دیگر، گروه پژوهش و طرح مسایل زنان، اتحادیه زنان حقوق دان و اتحاد ملی زنان تدوین شد. این بیانیه به نقد و بررسی حقوق زنان در پیش نویس قانون اساسی پرداخته و اصول پیشنهادی خود را در این رابطه طرح نمود که اصل پیشنهادی بی بیانیه عبارتند از:

۱- در رابطه با اصل ۱۱ پیش نویس که معیارهای گنگ و قابل تفسیر اخلاقی را جایگزین حقوق مساوی زن و مرد در خانواده کرده است و در نتیجه پدرسالاری را "بر مبنای طهارت و تقوی و ارزش‌های والای انسانی" تحکیم میکند و با حقوق خانواده را بر حقوق فردی مقدم شمرده است که تفسیری جز زیر پا گذاشتن حقوق فردی زن در خانواده نمیتواند داشته باشد. ما پیشنهاد میکنیم برای از بین بردن نابرابری‌های موجود در امور مربوط به خانواده از جمله ازدواج، طلاق و ولایت فرزند، ارث..... برابری کامل حقوق زن و مرد در کلیه امور مربوط به خانواده تامین گردد و لذا خانواده باید بر مبنای انتخاب آزادانه و داوطلبانه زن و مرد استوار و تساوی حقوق زن و مرد در خانواده باید در تمام زمینه‌ها تضمین شود.

۲- در مورد اصل ۱۲ پیش نویسی که بین نقش پدر و مادر در خانواده و تربیت دختر و پسر تفکیک قائل میگردد و در نتیجه گیری با استناد از شعارهای زیبا و فریبنده‌ای چون "وظیفه پرارج مادری" و مفاهیم گنگ و باروشی چون "مسئولیت زنان در جامعه انقلابی اسلامی" عملاً زنان یعنی نیمی از نیروی فعال و تولیدی جامعه را به گناه مادر شدن به اسارت در چهار دیواری خانه محکوم میکند. حال آنکه درست

حمله چاقو کشان به زنان گسترش می یابد.

بالاخره آنچه که می بایست در مورد "حجاب" و حمله به زنان بی "حجاب" در ماه رمضان پیش بیاید، از هفته قبل به وقوع پیوست و چاقو کشان و دزدان حرفه ای، جلوی زنان "بی حجاب" را میگرفتند و در موارد زیادی با چاقو به آنان حمله ور میشوند.

چندین هفته قبل از ماه رمضان مانند انتظار وقوع چنین اتفاقاتی را داشتیم و این را از عمل کرد چندین ماهه این حاکمان و بطریق اولی از بینش و ایدئولوژی آنان نسبت به مسئله زنان دریافته بودیم. این مسئله چنان ایجاد گسترده ایی در هفته قبل از رمضان بخود گرفت که سخن گوی دولت مجبور به تکذیب این "شایعات" شد که باعث گردید گروههای فشار دست نگهدارند و دو هفته ای "عمره بطلان" بگذرانند. اما بالاخره هفته گذشته این فرصت طلایی نصیب آنان

گشت و پس از تظاهرات جمعه دمکراتیک ملی در اعتراض به سانسور مطبوعات و تعطیل روزنامه ها، عملیاتی که دو سه هفته به تعویق افتاد بود شروع شد. و آنچه که بقول سخنگوی دولت "شایعه" بود واقع شد، و بینشی که از طریق مختلف تبلیغ و ترویج میشد، انعکاس مادی خود را یافت.

درازدحام حملاتی که چاقو کشان و گروههای ضربت بنام اسلام و با حمایت همه جانبه یسوزی بدستان کمیته ها و تشویق و تایید لفظی اما و تایید ضمنی دولت انجام دادند، یکی از مهم ترین جهات حمله متوجه زنان "بی حجاب" بود. باز هم تحت نام حجاب و اسلام این چاقو کشان عقده های انباشته سالهای حقارت و درماندگی خود را که ناشی از توسری خوردن از خانواده و حکومت

بقیه در صفحه ۸

۲۸ مرداد

شعبان بی مخ قرآن بر سر نیزه کرده است

بیست و هشت مرداد سال ۳۲ را بسیاری بیاد دارند، بیاد دارند که شعبان بی مخ معروف به جعفری چگونه عده ایی از اراذل و اوباش، قلدران چاقو کشان و فاحشگان را بسیج کرده و بر کف ترابلی ها فرش کرده و در کامیون ها (هنوز وانت به بازار نیامده بود) و در خیابان می گردانند و "جاوید شاه" گویان مردم را ایذاء و ادیت میکردند و دشنام های رکیکی را که به مناسبت حرفه اشان خوب آموخته بودند، بشمار این مردم میکردند. این صحنه های تهوع آور

هنوز فراموش نشده، هنوز آن صحنه ها مقابل چشمان بسیاری است، و هنوز بیاد دارند که دستگاه حکومتی چطور سالیان دراز از آنان به عنوان "مخالفین مصدق" مردمی که قیام کردند تا "شاه محبوب" را به وطن بازگردانند، نام میبرد.

آن بیست و هشت مرداد گذشت و قیام های خونین مردم شاه را بار دیگر مجبور به فرار کرد، اما فرزندان شعبان بی مخ ها، نسل بعدی

بقیه در صفحه ۸

۲۸ مرداد ●●● نفيه از صفحه ۷

همان اوباشان و اراذل و لومين ها هنوز هستند و به كوشش هاي ارتجاعي و ضد انقلابي خود ادامه ميدهند .

شعبان جعفری (بی‌مخ) دیگر نیست ، اما زهر جراحی (زهر خانم) هست ، قالیاق ها و دزدها هروئين فروش ها و قمه کش ها هستند ، كه باز با همان شیوه های سابق ، با وانت و موتور ، پیاده ، با چماق ، چوب و زنجیر و يك طومار فحش های آب‌نكشیده به استقبال مردم ، آزادی خواهان و احزاب و گروههای مخالف میروند و هر روز با همان شعارها كه فقط "اسم های آن " عوض شده در خیابان ها راه می‌افتند ، میتینگ ها و جلسات گروه ها را به هم میریزند و به مردم عادی بخصوص زنان حمله ور میشوند و امري را كه ديروز بنام "ظل الله " پيش میبردند ، امروز بنام "حزب الله " صورت ميدهند و بنام اسلام و قران همه نهاد های مردمی و دمكراتيك را مورد تجاوز قرار ميدهند . گویی شعبان بی‌مخ است كه امروز قرآن بر سر نيزه كرده

است .

دستگاه محمد رضا شاه هم ديگر امروز نیست ، اما حكومت جديد هست كه باز همان شیوه ها را تكرار ميكنند و كار تاييد و كمك به اين دستجات را به عهده گرفته (روزنامه جمهوري اسلامي از اين عهده ، بنام "مردم مسلمان " "مردم مخالفين " ياد ميكنند) اما به خيال خود با كمك همين به اصطلاح "مردم و "مخالفين" نيروهای ديگر ، راه حكومت جابرانه خود را صاف كنند ، و بتوانند دست كم ۲۷ سال حكومت كنند . در حاليكه نميدانند ، كه در ۲۷ سال گذشته بسياری از عوامل تغيير كرده است . نه حكومت جمهوري اسلامي توان و نيروي حكومت پهلوي را دارد و نه زهراخانم عليرغم "خوش سابقگی اش " شعبان بی‌مخ است . و بالاخره نه اين مردم ، مردم سال ۱۳۳۲ كه مرعوب مشتی لومين و رذل شوند . اين مردم از ۲۸ مرداد درس های بسياری آموخته اند . ماهيت اين دسته جات فاشيستي را در زير هر لوابی ميشناسند و ميدانند چگونه با آن ها مبارزه كنند .



حمله چاقو كشان ●●●

پس متبوده با حمله و تجاوز به زنان كمونيست "بی حجاب خالي كردند . و چنان صحنه های فجيعی در خيابان های تهران بوجود آوردند كه جامعه ما نظير آنها به خود ندیده بود ولی جالب ترين قسمت اين تجاوزات خود حمله ويورتي اين چماق بدستان نيست ، بلكه اين است كه اين حملات و هتك حرمت از زنان نام قرآنی اسلام به فرمان امام بحاطر تركيه جامعه اسلامي انجام ميگردد .

در مقابل اين تجاوزات كس نكرده ، سامی اقدامات دولت منحصر به اين بوده است كه "اسلامی" بودن اين گروه ها را تكذيب كند .

مسئله بر سر اين نيكست كه اين عده واقعا "مسلمان" هستند يا نه ، چه مسلمان باشند ، چه نباشند آنچه مسلم است اين اقدامات تنها به

نفع ارتجاع و امپرياليسم است و كوشش در اين كه اين گروه "حزب اله" را غير مسلمان معرفی كنيم ، هيچ چيز را حل نميكنند ، بلكه مسئله اصلی اين است كه سيستم و ايدئولوژی حاكم بر جامعه امروزی چنان زمينه ای را بوجود آورده است كه هر گروه مرتجع و ضد انقلابي بتواند تحت نام اسلام و رهبری مملكت همه حركات ارتجاعی خود را توجیه كند . اين زمينه راه هم رهبران و دولت بوجود آورده است . و در واقع مسئوليت اين همه تجاوز است كه با آن ها است . عليرغم اينكه گروه های اجرائی فاشيست مسلمان باشند يا نه ، كه ما نميدانيم ، اما يك چيز را ميدانيم كه اينان هر چه هستند و هر مرام و مسلک و مذهبی داشته باشند ، با مرام و مسلک و مذهب رهبران مملكت يکی است و با نظام حاكم سازگاری دارد .

